

جستارهای مبین (نشریه الکترونیکی مؤسسه مطالعات و تحقیقات مبین)

ISSN 2345-2382

سال نخست، جستار شماره ۲۷؛ انتشار ۱۳۹۲/۱۱/۳۰

به سوی توسعه و امنیت پایدار انسانی

حسین رضانی

پژوهشگر مؤسسه مطالعات و تحقیقات مبین

مشخصات کتابشناختی این اثر:

رضانی، حسین (۱۳۹۲). به سوی توسعه و امنیت پایدار انسانی، جستارهای مبین (نشریه الکترونیکی مؤسسه مطالعات و تحقیقات مبین)، سال نخست، جستار شماره ۲۷. نشانی دسترسی اینترنتی:

<http://jostar.mrsi.ir/Vol.1/jostar27.pdf>

مؤسسه مطالعات و تحقیقات مبین

<http://www.mrsi.ir>

Email: mrsi@chmail.ir

نشریه الکترونیکی «جستارهای مبین»، به طور خاص برای انتشار بخشی از تأملات و تحقیقات پژوهشگران رویکرد «توسعه تعالی بخش» انتشار می‌یابد؛ ولی موضوع عام این نشریه «مسئله توسعه» است؛ و آثار تألیفی و ترجمه‌ای که با رویکردهای مختلف در موضوع توسعه به نگارش درآمده‌اند نیز در آن منتشر می‌شود. برای دسترسی به مقالات نشریه الکترونیکی «جستارهای مبین» به سایت این نشریه مراجعه کنید.

<http://www.jostar.mrsi.ir>

Email: mobin.jostar@chmail.ir

مؤسسه مطالعات و تحقیقات مبین

«جستارهای مبین»؛ سال نخست، جستار شماره ۲۷

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۱۱/۳۰

ISSN 2345-2382

به سوی توسعه و امنیت پایدار انسانی

حسین رضانی

نوشته‌ی حاضر خوانشی است آزاد از مقدمه به اضافه‌ی فصل اول و دوم گزارش سازمان ملل در خصوص توسعه‌ی انسانی در سال ۱۹۹۴. ویژگی خاص این گزارش آن است که به نسبت «توسعه» و «امنیت» توجه نموده است. در این متن که حاوی نکات و دقایق فراوانی در خصوص توسعه و امنیت است شاهد گذار به سوی پارادایم جدیدی از توسعه و امنیت هستیم که با عنوان امنیت انسانی و توسعه‌ی انسانی نامیده می‌شود. متن حاضر ابعاد مفهومی و نسبت‌های ساختاری امنیت و توسعه را در این پارادایم جدید نشان می‌دهد.

از طریق توسعه میسر است و نه با به استخدام گرفتن توان نظامی.

۱.۴. بنابراین به طور کلی ممکن نیست ملتی بدون صلح، بدون حفاظت از محیط‌زیست، بدون رعایت حقوق انسانی، بدون نهادینه ساختن ساختارهای مردمی در حوزه‌ی قدرت سیاسی، بدون کنترل مناسب جمعیت و بدون همگرایی اجتماعی به اهداف عالی خود برسد. در واقع اهداف عالی یک ملت با لحاظ شرایط یادشده

۱. تبیین پیوند امنیت و توسعه

۱.۱. جهان نمی‌تواند در امن و صلح باشد مگر آنکه مردم در زندگی هر روزشان دارای امنیت باشند.

۲.۱. منازعات آینده اغلب به جای آنکه میان ملل واقع شوند درون ملت‌ها و در اثر محرومیت‌ها و نابرابری‌ها و عدم رشد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اتفاق خواهند افتاد.

۳.۱. بی‌جویی امنیت در چنین محیطی تنها

کشورهای فقیر تهدیدها اموری اند نظیر فقر، گرسنگی و بیماری و در کشورهای ثروتمند داروهای مخدر و جرم و جنایت. برخی از تهدیدها نیز برای همگان مشترک اند نظیر نبود امنیت شغلی و تهدیدات محیط زیستی.

۳. ۳. امنیت انسانی همچون توسعه‌ی انسانی مردم محور است. امنیت انسانی مربوط است به اینکه مردم چگونه زندگی می‌کنند، چطور نفس می‌کشند، چگونه آزادانه بسیاری از انتخاب‌های خود را اعمال می‌کنند و چطور به فرصت‌هایی که در بازار و جامعه ارائه می‌شوند دست می‌یابند و دیگر اینکه آیا در صلح زندگی می‌کنند یا در نزاع.

۳. ۴. امنیت یک کل جهانی است. امنیت حوزه‌های جغرافیای مختلف به مثابه ظروف متصل به هم‌اند. زمانی که امنیت مردم در گوشه‌ای از جهان به مخاطره می‌افتد همه‌ی ملل با آن درگیر می‌شوند؛ قحطی، نزاع‌های قومی، از هم‌پاشیدگی اجتماعی، تروریسم، آلودگی‌های محیطی و دادوستد مواد مخدر، رویدادهایی نیستند که دیگر بتوان آن‌ها را محدود نمود و در حدود مرزهای ملی محبوس نمود. نتایج وقوع این مخاطرات و تهدیدها تمام جهان را درمی‌نوردند.

۳. ۵. کمک‌های انسان‌دوستانه نیز برای درازمدت نمی‌تواند جایگزین حمایت توسعه‌ای باشند؛ چراکه منابع برون‌اقلیمی محدودند. آنچه راهگشای مخاطرات است اتکا به توانمندی‌های درونی است.

۳. ۶. بیش‌تر مردم به طور فطری می‌دانند امنیت به چه معناست؛ امنیت یعنی ایمنی از

تنها در ضمن توسعه‌ی پایدار و متوازن رخ می‌دهد و البته چنین فرآیندی در نهایت منجر به تأمین امنیت پایدار خواهد شد. (UNDP 1994: p.1).

۲. مفهوم جدیدی از امنیت

۲. ۱. برای مدت زمان زیادی، «امنیت» در چارچوب مفهومی امکان تنازع میان دولت‌ها فهم می‌شد. برای زمان مدیدی، امنیت با دفع تهدیدهای مرزی در سرحدات یک کشور یکسان بود. برای روزگار طولانی‌ای، ملت‌ها برای حفظ نمودن امنیتشان قوای نظامی‌شان را تجهیز و آماده نموده‌اند؛ اما امروز دیگر احساس ناامنی محدود به مرزها نیست، بلکه بیش‌تر مردم از رخدادها و تهدیدهایی احساس ناامنی دارند که جنبه‌ی فراملی و جهانی دارند.

۲. ۲. «امنیت شغلی»، «امنیت اقتصادی خانوار»، «امنیت سلامت»، «امنیت محیط زیست»، «امنیت در برابر گروه‌های سازمان‌یافته‌ی جنایی» و... چیزهایی هستند که دغدغه‌های امنیت انسانی در سراسر جهان محسوب می‌شوند. (ibid. p.3)

۳. شاخصه‌های امنیت انسانی

۳. ۱. امنیت انسانی دغدغه و دل‌نگرانی‌ای درباره‌ی تسلیحات و جنگ‌افزارها نیست، بلکه دغدغه‌ای درباره‌ی زندگی انسان و ارزش والای آن است.

۳. ۲. امنیت انسانی، واقعیتی مرتبط با هر کسی در هر جاست، چه در ملل ثروتمند چه در ملل فقیر؛ گرچه تهدیدها ممکن است متفاوت باشند ولی این تهدیدها واقعی و رو به رشدند. در



حفاظت می‌کند. همچنین این الگوی جدید به نظام طبیعی جریان حیات احترام می‌گذارد و از محیط‌زیست بی‌رویه استفاده نمی‌نماید. چنین پارادایمی از توسعه قادر است توانمندی‌های انسانی را در راستای بهترین استفاده در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی رشد دهد. این پارادایم با عنوان «توسعه‌ی انسانی» معرفی می‌شود. توسعه‌ی انسانی در تحلیل نهایی، مردم‌گرا، اشتغال‌محور و طبیعت‌گراست. توسعه‌ی انسانی پایدار بیش‌ترین اولویت را به کاهش فقر، اشتغال پُربار، همبستگی اجتماعی و ملاحظات زیست‌محیطی می‌دهد. این پارادایم افراد انسانی را در وضعیتی متوازن‌تر نسبت به هم قرار می‌دهد. (ibid. p.4)

۵. نسبت مفهومی امنیت انسانی و توسعه‌ی انسانی

۵.۱. در تعریف امنیت انسانی و توسعه‌ی انسانی توجه به این نکته مهم است که به لحاظ مفهومی امنیت انسانی با توسعه‌ی انسانی مساوی نیست. توسعه‌ی انسانی یک مفهوم گسترده است که پیش از این به عنوان فرآیند گسترده نمودن دامنه‌ی انتخاب‌های مردم تعریف شد؛ اما امنیت انسانی به این معناست که مردم بتوانند انتخاب‌های خود را با اطمینان و آزادانه و به دور از خطر اعمال نمایند و مطمئن باشند فرصت‌هایی که امروز در اختیار دارند فردا از دست نمی‌دهند. (ibid. p. 23)

۵.۲. مفهوم امنیت انسانی تأکید دارد بر اینکه مردم باید بتوانند از خودشان مراقبت نمایند؛ یعنی همه‌ی مردم بایستی فرصت داشته

تهدیدات پایداری نظیر گرسنگی، بیماری، جرم و جنایت و سرکوب شدن. این بدان معناست که افراد از حوادث آسیب‌زا و ناگهانی در الگوی زندگی روزمره‌شان، چه در خانه، چه در محیط کسب‌وکار، چه در ارتباطات اجتماعی و چه در محیط زیست‌بوم حفظ شوند. برای ایجاد این الگوی ایمن از زندگی روزمره، توجه نمودن به شاخصه‌های امنیت انسانی و بهبود بخشیدن به آن‌ها حائز اهمیت است. (ibid.)

۳.۷. امنیت انسانی دو جزء مفهومی اساسی دارد: الف) آزادی از ترس، ب) رهایی از نیاز. (ibid. p. 24)

۳.۸. با توجه به آنچه بیان شد، پارادایم جدید امنیت انسانی دو نقطه‌ی عزیمت را به سوی دو نقطه‌ی دیگر ترک نموده است: اولاً، از تأکید بر امنیت سرزمینی به سوی تأکید بیش‌تر بر امنیت افراد انسانی حرکت نموده است و ثانیاً، از امنیت مبتنی بر تسلیحات به سوی امنیت مبتنی بر توسعه‌ی پایدار عزیمت نموده است. (ibid.)

۴. پارادایم جدیدی از توسعه در نسبت با امنیت انسانی

برای مشخص نمودن رشد چالش‌های مرتبط با «امنیت انسانی»، چارچوب نظری جدیدی در باب «توسعه» نیاز است که در آن مردم در محوریت توسعه قرار گیرند. چنین پارادایمی، رشد اقتصادی را به مثابه وسیله و نه هدف تلقی می‌نماید و در پی آن است که از فرصت‌های نسل‌های آینده به همان شکلی محافظت نماید که از فرصت‌های نسل حاضر



برقرار باشند. (ibid. pp. 4-5)

۷. نسبت توسعه‌ی انسانی و توانگری^۱ رفاه برای توسعه‌ی انسانی مهم است؛ اما آن را یگانه نقطه‌ی تمرکز قرار دادن اشتباه است؛ زیرا اولاً، انباشتگی رفاه برای برخورداری از احساس رضایت از انتخاب‌های انسان ضروری نیست. در واقع افراد و جوامع انتخاب‌هایی دارند که در آن‌ها نیازی به داشتن رفاه ندارند؛ مثلاً یک جامعه لازم نیست ثروتمند باشد تا بتواند قدرت سیاسی را مردمی نماید یا افراد یک خانواده لازم نیست ثروتمند باشند تا بتوانند به حقوق یکدیگر احترام بگذارند و همچنین یک ملت لازم نیست برخوردار از فراوانی باشند تا زن و مرد را دارای حقوق مساوی تلقی نمایند. ثانیاً، انتخاب‌های انسانی به بهروزی اقتصادی توسعه می‌دهند، اما ممکن است برخی از افراد چیزهای دیگری را بخواهند مثل اینکه بخواهند از زندگی‌ای طولانی برخوردار شوند یا از سرچشمه‌ی معرفت و دانش بهره‌مند باشند و یا محیط شاداب و پاکیزه‌ای داشته باشند. (ibid. p. 15)

۸. خلط میان اهداف و ابزار در توسعه اغلب به درستی چنین استدلال می‌شود که سرمایه‌گذاری روی مردم سبب بالا رفتن توان تولیدی ایشان می‌شود. بر این اساس البته به غلط چنین استدلال می‌شود که توسعه‌ی انسانی تنها، وسیله‌ای است برای توسعه دادن به منابع و سرمایه‌های مادی انسان. این شیوه‌ی استدلال

باشند تا نیازهای اساسی‌شان را تأمین نمایند. چنین وضعیتی آن‌ها را در شرایطی آزاد قرار می‌دهد و به آن‌ها کمک می‌کند تا مطمئن شوند که می‌توانند نقشی کامل و منحصر به فرد در توسعه دادن به وضعیت خود و اجتماعشان داشته باشند.

۵. ۳. بنابراین امنیت یک مفهوم دفاعی نیست که راه تأمین آن استفاده از قدرت نظامی باشد. امنیت انسانی مفهومی جامع است. این مفهوم ادعای زندگی جهان‌گروانه را تصدیق می‌کند. این مفهوم در وحدت میان مردم جای یافته است و مفهومی است که از طریق نیروهای نظامی علیه نیروهای نظامی دیگر به دست نمی‌آید.

۵. ۴. امنیت انسانی تنها زمانی اتفاق می‌افتد که ما موافق باشیم توسعه بایستی همه‌ی مردم را در برگیرد. (ibid. p. 24)

۶. طرح جدیدی از همکاری توسعه‌ای در راستای امنیت انسانی

امنیت انسانی جهانی، نیازمند طراحی جدیدی است که در آن روابط مثبت بیش‌تری میان ملل مختلف جهان در راستای ایجاد فضای جدیدی از همکاری توسعه‌ای برقرار باشد. در یک چنین طراحی‌ای، روابط اقتصادی می‌توانند بر اساس منافع متقابل و نه خیریه، تعاون و نه تقابل، مشارکت منصفانه در فرصت‌های بازار و نه قوانین محلی حمایت از تولیدات داخلی، دوراندیشی فراملیتی‌گرا و نه لجاجت ملی‌گروانه



دارد؛ زیرا اولاً، رشد اقتصادی از آنجا که انتخاب‌های انسان را افزایش می‌دهد برای جوامع فقیر حیاتی است؛ و ثانیاً، در واقع فرسایش‌های محیطی ناشی از فقر و محدودیت انتخاب انسان هستند. بنابراین رشد اقتصادی می‌تواند برخی از فرسایش‌ها را جبران نماید به شرط آنکه مقوله‌ی مصرف نیز تعدیل شود.

۹.۳. با توجه به آنچه بیان شد، لازم است سبک زندگی و نحوه‌ی مصرف در کشورهای ثروتمند تغییر نماید؛ چراکه کشورهای شمال با دارا بودن یک پنجم جمعیت زمین، ۷۰ درصد انرژی، ۷۵ درصد فلز و ۸۵ درصد چوب جهان را مصرف می‌نمایند. (ibid. p. 18)

۱۰. پایداری توسعه و مقوله‌ی عدالت

بین‌نسلی

لازم است نسل حاضر فرصت بهره‌مندی نسل‌های آینده را از بهروزی، آن‌گونه که امروز خود از آن برخوردار است، حفظ نماید. گرچه ما نمی‌دانیم ترجیحات نسل‌های آینده در حوزه‌ی مصرف چه چیزهایی هستند و نمی‌توانیم پیش‌بینی نماییم که افزایش جمعیت نسل‌های آتی چگونه خواهد بود و پیشرفت‌های فن‌آورانه و اکتشافات مهم در کیفیت و میزان مصرف آن‌ها چه تغییراتی را پدید می‌آورند، لکن باید منابع و فرصت‌های اساسی و اولیه را برای آن‌ها حفظ نمود؛ بنابراین شایسته است بر اساس عدالت بین نسلی سرمایه‌های طبیعی، انسانی و اقتصادی را دست به دست نمود. (ibid. p. 18-19)

۱۱. پیوند افراد و نهادها در جریان

میان غایات و وسایل خلط می‌نماید. مردم صرفاً ابزارهایی برای تولیدات متاعی و کالایی نیستند. اینکه بیش‌ترین ارزش ارزانی‌شده به زندگی انسان گسترش دادن منافع مادی باشد رویکرد خطرناکی به توسعه است. توسعه‌ی انسانی چنین رویکردی را رد می‌کند. (ibid. p. 17)

۹. توسعه‌ی پایدار و رشد اقتصادی

۹.۱. توسعه‌ی انسانی پایدار به این معناست که نسل حاضر در قبال وضعیت نسل‌های آینده دارای مسئولیت و الزامی اخلاقی است به این توضیح که مصرف منابع اقتصادی و طبیعی توسط نسل حاضر نباید به گونه‌ای باشد که بدهی آن به دوش نسل‌های آینده بیفتد. این دیدگاه مستلزم آن است که در زمینه‌ی آموزش و سلامت مردم نسل کنونی بایستی سرمایه‌گذاری شود تا عدم این سرمایه‌گذاری برای نسل‌های آینده بدهی اجتماعی به بار نیورد؛ و نیز مستلزم آن است که منابع طبیعی بایستی به گونه‌ای مصرف شوند که بیش‌تر از ظرفیت طبیعی زمین نباشد. در واقع تمامی بدهی‌های به تأخیر افتاده‌ی نسل حاضر اعم از بدهی‌های اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی به رهن‌گذاستن سرمایه‌ای است که متعلق به نسل آینده است. بر این اساس یکی از راهبردهای توسعه‌ی پایدار آن است که ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و طبیعی تجدیدپذیر را حتی‌الامکان تجدید نماید و ظرفیت‌های تجدیدناپذیر را جایگزین نماید و یا حتی‌الامکان بهینه مصرف نماید.

۹.۲. نباید تصور کرد میان رشد اقتصادی و

حفظ محیط‌زیست و احیای منابع تعارض وجود



توسعه

۱.۱۱. دغدغه‌های جهانی به همراه حقوق و علایق هر فرد انسانی تنها از مجرای ترکیبی از تلاش فردی و حمایت نهادی است که می‌تواند مفید به فایده و مؤثر افتد. ابتکار فردی لازم است هم با درایت عمومی و هم با مشارکت و ارتباط عمومی در سازمان‌ها ترکیب شود. (ibid. pp. 19-20) بنابراین گرچه توسعه بر پایه‌ی تلاش‌های فردی رخ می‌دهد لکن این تلاش‌های فردی در ضمن مشارکت نهادی در سازمان‌ها اتفاق می‌افتند.

۲.۱۱. سیاست‌های اجتماعی می‌توانند از طریق اعمال ممانعت‌های روا یا ناروا، ارتقا بخشیدن به آموزش و شکل دادن به مهارت‌ها نزد افراد جامعه یا عدم آن، توسعه بخشیدن به دامنه‌ی انتخاب‌ها و فرصت‌های افراد جامعه و یا محدود کردن آن و تضمین پاداش ابتکارات فردی یا سرکوب کردن آن‌ها، تنوعی از تفاوت‌ها را در آنچه مردم می‌توانند به دست آورند ایجاد نمایند. (ibid. p. 20)

۱۲. حوزه‌های مشترک امنیت و توسعه
۱.۱۲. همه‌ی ابعاد حیات انسان موضوع مشترک امنیت و توسعه است؛ زیرا در همه‌ی ابعاد حیات انسان هم تهدید وجود دارد و هم فرصت برای بهبود دادن وضعیت موجود؛ لکن می‌توان بر اساس تهدیدها و فرصت‌ها حوزه‌های عمل مشترک توسعه و امنیت را در هفت حوزه دسته‌بندی نمود: حوزه‌ی اقتصاد، سلامت، سیاست، تغذیه، محیط‌زیست، اجتماع و حریم

شخصی.

۲.۱۲. در تمام هفت حوزه‌ی یادشده دفع و رفع مخاطرات و تهدیدها بسترساز بهبود وضعیت موجود یعنی توسعه است و امنیت خود را از طریق توسعه محقق می‌نماید. (ibid. pp. 24-25)

۱۳. شاخصه‌ی اساسی امنیت و توسعه‌ی انسانی در حوزه‌ی اقتصاد امنیت اقتصادی افراد انسانی با وجود درآمدی مطمئن تأمین می‌شود. درآمدی که از کاری تولیدی و سودبخش به دست می‌آید و یا درآمدی که از طریق شبکه‌های مالی تأمین اجتماعی حاصل می‌شود. نبود چنین درآمدی یا چنین وضعیتی تأمین‌ای به معنای توسعه‌ی «فقر» است. (ibid. p. 24-25)

۱۴. شاخصه‌ی اساسی امنیت و توسعه‌ی انسانی در حوزه‌ی تغذیه

امنیت غذایی بدین معناست که همه‌ی مردم در همه‌ی زمان‌ها دسترسی فیزیکی و اقتصادی به منابع غذایی داشته باشند. این شاخص مستلزم آن نیست که صرفاً غذا به اندازه‌ی رضایت‌بخش و کافی وجود داشته باشد، بلکه مستلزم آن است که مردم دسترسی مناسبی به غذا داشته باشند. به این معنا که افراد دارای دسترسی مستمر یا اعتبار استحقاقی به غذا باشند؛ چه از طریق تولید غذا نزد خودشان، یا از طریق خرید آن، یا از طریق برخورداری از مزیت نظام توزیع غذای عمومی. بنابراین وجود منابع غذایی شرط لازم امنیت غذایی است، ولی شرط کافی نیست؛ چراکه مردم



انسانی در حوزه‌ی محیط‌زیست

در این حوزه چندین دغدغه و مخاطره‌ی جدی مبنای ارزیابی‌اند. یکی از تهدیدهای جدی محیط‌زیست در کشورهای در حال توسعه مسئله‌ی آب است. کمبود آب یکی از عواملی است که منازعات قومی و تنش‌های سیاسی را باعث شده است. مسئله‌ی زمین و تبدیل شدن زمین‌های جنگلی به زمین‌های کشاورزی یا بیابان، نیز از جمله مشکلات و مسائل پیش‌روست. قطع کردن بی‌رویه‌ی درختان باعث تشدید سرعت تبدیل جنگل‌ها به بیابان و پیدایش بیابان‌زایی شده است. مسئله‌ی آلودگی هوا نیز از جمله مسائلی است که بیشتر تر کشورهای صنعتی را درگیر نموده است؛ لکن شهرهای بزرگ کشورهای در حال توسعه هم از جمله مشکلات محیط‌زیستی است. (ibid. p. 29)

۱۷. شاخصه‌ی اساسی امنیت و توسعه‌ی

انسانی در زندگی شخص

آسیب‌هایی که اشخاص در مواجهه با رخداد‌های غیرقابل‌پیش‌بینی و ناگهانی متحمل می‌شوند، امنیت شخصی را به مخاطره می‌اندازند. برخی از آسیب‌ها قابل پیش‌گیری‌اند و فرآیند توسعه می‌تواند در کاهش آن‌ها مؤثر باشد؛ اما برخی دیگر قابل پیش‌بینی نیستند. در خصوص موارد غیرقابل‌پیش‌بینی توسعه فرآیندهای تأمین و حمایتی می‌توانند بخشی از صدمات را جبران نمایند. آسیب‌هایی که امنیت شخصی را به خطر می‌اندازند را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی نمود:

می‌توانند حتی هنوز هم در اثر قحطی بمیرند درحالی‌که غذا به اندازه‌ی کافی وجود دارد. بدین ترتیب مشخص می‌شود که مسئله‌ی واقعی در این زمینه وجود غذا نیست بلکه توان خریداری و دستیابی به آن است؛ و البته روشن است که دستیابی به غذا پس از دستیابی به سرمایه و ثروت، یا کار و درآمدی مطمئن، یا اعتباری استحقاقی ناشی از نظام تأمین عمومی میسر است؛ و چنین دستیابی‌ای برای عموم تنها در جریان توسعه است که گسترش می‌یابد. (ibid. p. 27)

۱۵. شاخصه‌ی اساسی امنیت و توسعه‌ی

انسانی در حوزه‌ی سلامت

شاخص امنیت سلامت، شاخصی است که با میزان مرگ‌ومیرها در اثر بیماری‌های عفونی و انگلی و آلودگی‌های محیطی و نیز میزان دسترسی به آب سالم و محیط‌زیستی عاری از آلودگی سنجیده می‌شود. همچنین دسترسی به خدمات سلامت، به‌خصوص برای نوزادان و کودکان از شاخص‌های مهم است. همچنین هزینه‌های سرانه‌ای که دولت برای حفظ و تأمین سلامت در بودجه‌های عمومی مقرر نموده و هزینه می‌شوند از جمله شاخص‌های مورد اعتناست. (ibid. p. 27-28) دستیابی به شاخص‌های یادشده جدای از آنکه مستعدی توسعه در بخش بهداشت و درمان است، مستعدی توسعه‌ی شاخصه‌های اقتصادی و نهادی مؤثر در بخش بهداشت و درمان نیز هست.

۱۶. شاخصه‌ی اساسی امنیت و توسعه‌ی



تحقیق آمیز نسبت به زنان در برخی جوامع سنتی. تحقق توسعه‌ی اجتماعی به معنای پالایش رفتاری و نهادی می‌تواند به رفع مخاطرات اجتماعی کمک نماید. (ibid. p. 31)

۱۹. شاخصه‌ی اساسی امنیت و توسعه‌ی انسانی در سیاست

یکی از مهم‌ترین وجوه امنیت و توسعه‌ی انسانی آن است که مردم در جامعه‌ای زندگی کنند که به حقوق انسانی ایشان احترام گذارده می‌شود و حق انتخاب و مشارکت سیاسی آن‌ها در تعیین سیاست‌های عمومی وابسته به سرنوشت شخصی‌شان به رسمیت شناخته‌شده و ایفاد می‌شود و افراد از سرکوب‌گری دولت در امان باشند. در واقع یکی از شاخصه‌های اساسی تشخیص ناامنی در یک کشور آن است که حکومت از برتری نظامی خود برای سرکوب نمودن و تضییع حقوق مردم استفاده نماید. روشن است که توسعه‌ی سیاسی با ترسیم روندهای مشارکت سیاسی مردم در تعیین نحوه حکمرانی و کیستی حکمران و نظارت بر رفتارهای حاکمان و اصلاح نمودن و بهبود بخشیدن مستمر به آن‌ها، می‌تواند امنیت سیاسی را نیز تأمین نماید. (ibid. p. 32)

۲۰. امنیت و توسعه‌ی انسانی جهانی
برخی از چالش‌های جهانی امنیت و توسعه‌ی انسانی ناشی از آن هستند که تهدیدها در درون مرزهای بین‌المللی محدود باقی نمی‌مانند. تهدیدهای محیط‌زیستی یکی از روشن‌ترین مثال‌ها هستند. فرسایش زمین،

- تهدیدهای ناشی از سوی دولت؛
 - تهدیدهای ناشی از سوی دیگر دولت‌ها، همانند تحریم و جنگ؛
 - تهدیدهای ناشی از سوی گروه‌هایی از مردم، همچون تنش‌های قومی و مذهبی؛
 - تهدیدهای ناشی از سوی افراد یا باندهای تبه‌کار، نظیر جنایت‌های مرتبط با مواد مخدر یا خشونت‌های خیابانی؛
 - تهدیدهای متوجه به زنان، نظیر تجاوز به عنف یا خشونت‌های خانگی؛
 - تهدیدهای متوجه به کودکان در قالب انواع بدرفتاری با کودکان؛
 - تهدیدها علیه خود، مانند خودکشی یا استعمال مواد مخدر. (ibid. p. 30)
۱۸. شاخصه‌ی اساسی امنیت و توسعه‌ی

انسانی در اجتماع

حضور در یک اجتماع مستلزم پذیرش سنت‌ها و ساختارهای نهادینه‌شده در آن است. در واقع هویت فرهنگی و اجتماعی خودش را به افراد تحمیل می‌نماید. گرچه حضور در یک اجتماع در بسیاری موارد به طور عادی حمایت اجتماعی را برای افراد حاضر در آن اجتماع به همراه می‌آورد، لکن به خاطر وجود برخی سنت‌ها، ساختارها یا رویه‌های عادی‌شده‌ی غلط در یک اجتماع، امنیت افراد آن اجتماع می‌تواند به مخاطره افتد. همانند برخی رویکردهای

جنگل‌زدایی، انتشار گازهای گلخانه‌ای، تجارت مواد مخدر، قحطی‌ها، تنازعات قومی، ازهم‌پاشیدگی اجتماعی، تروریسم، آلودگی محیط‌زیست از جمله آسیب‌هایی هستند که نمی‌توانند به مرزهای ملی محدود بمانند؛ و در مواجهه با این امور هیچ ملتی نمی‌تواند خودش را از دیگر ملل جدا نماید. وضعیت ناملموس امنیت و توسعه‌ی انسانی جهانی نتایجی به بار آورده و می‌آورد که می‌توانند بسترساز شکوفایی یا فقر باشند. (ibid. p. 34)

منبع:

UNDP, Human Development Report 1994,
Oxford University Press, New York and Oxford,
1994.